

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

بهرام رحمانی
۱۷ دسمبر ۲۰۱۳

تاراج سرمایه های سازمان تأمین اجتماعی ایران توسط غارتگران حکومت اسلامی!

بر اساس گزارش تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تأمین اجتماعی، قاضی پیشین و رئیس سابق این سازمان سعید مرتضوی صدها نفر را در دولت، مجلس، مطبوعات، خبرگزاری ها، رادیو و تلویزیون دولتی، تشکل ها و افراد حقیقی از پول این سازمان و بخشش آن، بدون ارائه هیچ خدمتی برخوردار نموده است.

اکنون سعید مرتضوی و نمایندگان مجلس همدیگر را متهم به فساد می کنند. آن چه مسلم است طرفین همانند دیگر سران و مقامات و ارگان های حکومتی، تا خرخره در فساد اقتصادی فرو رفته اند.

سعید مرتضوی که زمانی از سوی آیت الله خامنه ای به دریافت عنوان «قاضی جوان و شجاع» مفتخر گردید، به مرور زمان به یکی از چهره های «مخوف» حکومت اسلامی، تبدیل شد. در حقیقت فساد گسترده در سازمان تأمین اجتماعی ایران مانند همه ارگان ها و نهادهای حکومت اسلامی انکارناپذیر است و اکنون تنها گوشه هایی از آن به دلیل دعوای جنایی، به بیرون درز کرده است.

سازمان تأمین اجتماعی، نهادی است که وظیفه آن بیمه گری و رسیدگی به وضعیت کارگران و بازنشستگان و محرومان جامعه است. این سازمان مربوط به کارگران است و در حالی که صدها هزار کارگر دست مزد معوقه دارند و بیمارستان های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی نیز برخوردهای تحقیرآمیز و توهین آمیزی با مراجعه کنندگان دارند؛ در هفته های اخیر تاراج سرمایه های سازمان تأمین اجتماعی ایران، توسط غارتگران حکومت اسلامی، سر تیتر اصلی روزنامه ها شده است.

هم اکنون کارگران ایران و خانواده های آنان دچار فلاکت هائی چون گرانی و تورم، بی کاری و فقر، بی حقوقی و اختناق هستند و در برابر انواع آسیب های اجتماعی و خطرات زیاد بی دفاع مانده اند، اکنون معلوم شده است که سعید مرتضوی رئیس این سازمان در دوران آخر دولت احمدی نژاد، سرمایه های این سازمان را حیف و میل کرده و به بسیاری از نمایندگان مجلس جهل و جنایت و ارتجاع حکومت اسلامی نیز رشوه داده است تا حمایت شان را جلب کنند.

با توجه به این که حدود سی میلیون نفر از مردم کشور مشمول خدمات سازمان تأمین اجتماعی بوده و از شرکای اجتماعی آن محسوب می شوند، این حجم از نمایندگان به درآمدهای کلانی که از موقعیت های مختلف پست و مقام خود دارند؛ از سوء استفاده از این نهاد اجتماعی نیز خودداری نکردند. این در حالی است که این نمایندگان، اصولاً و بنا به وظیفه ای که دارند موظفند از حقوق کارگران و کارمندان دفاع کنند! حال با این اوضاع و احوال باید گفت که حکومت

اسلامی با تمام ارگان هایش از جمله مجلس شورای اسلامی، همواره از شهروندان ایران سوء استفاده می کنند و حتا به سفره خالی آن ها نیز دست داری می نمایند.

در این مطلب، تلاش می شود موضوعیت سازمان تأمین اجتماعی مورد بحث و بررسی قرار گیرد و سپس به غارت سرمایه های آن، پردازد.

بر اساس گزارش رسانه های ایران، در نامه ای که از مرتضوی روز سه شنبه ۱۹ آذر [قوس] ۱۳۹۲ منتشر شده است، تأکید شده که نمایندگان مجلس شورای اسلامی «در چند نوبت دریافتی هائی» در قالب کارت هدیه و بن خرید از جانب مدیرعامل سابق سازمان تأمین اجتماعی داشته اند که نوبت اول ۱۶۷ نفر آن ها را شامل می شود و نوبت های دیگر ۷۵ و ۶۷ نفر.

به گفته سعید مرتضوی، پرداخت این مبالغ به نمایندگان مجلس «هیچ اشکال قانونی نداشته» و از ردیف بودجه غیرشمول سازمان تأمین اجتماعی هزینه شده است، بودجه ای که «طبق رسالت سازمانی جهت پرداخت کمک هزینه درمانی برای بیمه شدگان و کمک به خانواده های نیازمند که بیمه تأمین اجتماعی هستند، پیش بینی شده است.» به عبارت دیگر، به ادعای مرتضوی، این نمایندگان و خانواده آن ها، «نیازمند؟!» این کمک ها بودند.

البته ماجرای اعطای کارت های چند میلیون تومانی هدیه و بن خرید سازمان تأمین اجتماعی به نمایندگان مجلس شورای اسلامی به دنبال انتشار [گزارش هیأت تحقیق و تفحص مجلس از این سازمان](#) رسانه نی شد.

گزارش مجلس از تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی ایران، نشان می دهد که در مدیریت پیشین این سازمان و سعید مرتضوی به فساد و تخلفات گسترده مالی بالغ بر ده ها هزار میلیارد تومان متهم شده اند. این گزارش هم چنین بابک زنجانی، تاجر میلیاردر را متهم می کند که با حمایت دولت احمدی نژاد، بخشی از کارخانجات شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی، شستا، با ارزشی بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان را به یک سوم قیمت و با پرداخت مبلغ ۱۷ هزار میلیارد تومان خریداری کرده که آن هم با چک تضمینی بوده است.

سعید مرتضوی، دادستان پیشین تهران، پس از آن که در جریان اعتراضات به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ دست کم ۳ تن از بازداشت شدگان راه پیمانی ۱۸ تیر در بازداشتگاه کهریزک کشته شدند از مقام قضائی خود برکنار شد. محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوری سابق حکومت اسلامی ایران، ابتداء سعید مرتضوی را به ریاست ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و سپس به ریاست سازمان تأمین اجتماعی منصوب کرد.

گزارش هیأت تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی، در عین حال عنوان می کند که سعید مرتضوی به ۳۷ نفر از نمایندگان مجلس به همراه محمدرضا رحیمی، معاون اول دولت محمود احمدی نژاد و برخی دیگر از مقامات دولت پیشین، کارت هدیه و بن خرید بخشیده است، اما مرتضوی می گوید تعداد نمایندگان مجلس که این مبالغ را دریافت کرده اند، بسیار بیش تر از ۳۷ نفر بوده است.

او، در نامه خود به ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، تأکید می کند، مبالغی که سازمان تأمین اجتماعی به نمایندگان مجلس داده تنها محدود به دوره مدیریت او نبوده و «با بررسی اسناد موجود، مشخص می شود که تقریباً در اکثر دوره ها در همین حد پرداختی صورت گرفته است.»

سعید مرتضوی در نامه خود از علیرضا محجوب، دبیرکل خانه کارگر و رئیس کمیسیون تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی نیز به عنوان یکی از نمایندگان نام می برد که مشمول دریافت کارت های هدیه شده است.

او، در توضیح خود به رئیس کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی می نویسد: «خدمت ایشان (علیرضا محجوب) صریحاً نوشته ام که خودتان نیز در لیست قبلی و در دوره پیشین جزء دریافت کنندگان این جوه بوده اید و

اگر آن را خلاف می دانید میزان و دفعات موضوعیت ندارد، زیرا وقتی شراب حرام است خوردن یک جرعه یا چند بطری دارای حد واحد است.»

این نامه در نهایت محجوب را به «سوء استفاده سیاسی و جناحی» در تهیه گزارش تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی متهم می سازد و ادعا می کند که فرایند تحقیق و تفحص را «یک حزب سیاسی» به انجام رسانده چنانچه در بخشی از آن آمده است: «این تحقیق و تفحص توسط یک حزب سیاسی انجام گردید و تقریباً اکثر کارمندی که آقای محجوب جهت این کار به سازمان تأمین اجتماعی معرفی کرده اند پرسنل حزب سیاسی خانه کارگر هستند. پرسنل مربوطه فقط به دنبال اهداف سیاسی و تخریب رقبای خود بوده اند.»

در حکومت اسلامی ایران، حتا قانون های مدون و مصوب خودشان نیز رعایت نمی شود و هر مقام و منصب و ارگان حکومتی، قوانین من درآوردی و تفسیر دل به خواهی خود را از قوانین موجودشان دارند. برای نمونه، سازمان تأمین اجتماعی، در حالی که مشمول اصل ۴۴ قانون اساسی نیست اما شرکت های وابسته به آن را در چارچوب همین قانون به قیمت های نازلی به «خودی» هایشان فروخته اند و دولت نیز نه تنها سهم این سازمان را نپرداخته، بلکه دارائی های آن را نیز حیف و میل کرده و به نمایندگان مجلس نیز حق سکوت پرداخته است.

براساس نص صریح قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ و قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۸۳، اموال، دارائی ها و سرمایه های سازمان تأمین اجتماعی جزو اموال عمومی بوده و به هیچ وجه دولتی و بیت المال محسوب نمی شود. این امر در اصل ۲۹ قانون اساسی حکومت اسلامی نیز مورد اشاره قرار گرفته است، آن جا که دولت را مکلف می کند از محل بودجه عمومی و مشارکت مردم (سازمان تأمین اجتماعی) خدمات رفاهی بیمه ئی پایه را برای همه آماد مردم تأمین نماید.

مطابق اصول و سیاست های کلی ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی (جزء يك بند الف)، دولت مکلف گردیده است که فعالیت های اقتصادی مشمول واگذاری خود را به بخش های تعاونی و خصوصی و عمومی غیردولتی بفرشد و سازمان تأمین اجتماعی، به موجب قانون خاص مصوب سال ۱۳۷۳ مجلس و نیز قانون محاسبات عمومی و قانون نظام رفاه و تأمین اجتماعی و هم چنین به موجب قانون تأمین اجتماعی مصوب سال ۱۳۵۴ و اساسنامه سابق و جدید، يك نهاد عمومی غیردولتی است و دریافت کننده واگذاری های دولتی. پس بنابراین، نمی توان شرکت های آن را مشمول واگذاری و خصوصی سازی مطابق اصول و سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی دانست.

سازمان تأمین اجتماعی، یکی از مجموعه هائی است که باید بخشی از درآمدهای دولت از محل واگذاری ها به آن اختصاص یابد، امری که دولت تاکنون از اجرای آن طفره رفته است.

طبق مفاد قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، دولت مورد سؤال قرار می گیرد که چرا بخشی از منابع درآمدی حاصل از واگذاری ها و خصوصی سازی را به سازمان تأمین اجتماعی مطابق اصول و قواعد محاسبات بیمه ئی برای ایجاد تعادل در منابع و مصارف آن نپرداخته است؟!

وقتی سازمان تأمین اجتماعی، خودش از دریافت کنندگان درآمد حاصل از واگذاری ها و خصوصی سازی طبق اصل ۴۴ است، پس چگونه شرکت های خودش می تواند مشمول واگذاری باشد.

صنعت بیمه به طور کلی برپایه سرمایه گذاری از محل حق بیمه های دریافتی استوار است و به همین سبب مقوله سرمایه گذاری یکی از ارکان اساسی شرکت های بیمه تجاری و سازمان های بیمه اجتماعی است.

در بند ۲ ماده ۲۸، «درآمد حاصل از وجوه و ذخایر و اموال سازمان» به عنوان دومین سرفصل عمده درآمدی آن منظور شده است. همین وظایف و عناوین در اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی نیز تکرار شده است. در ماده ۵۲ قانون

نیز تصریح شده است که مازاد درآمد بر هزینه و سود اوراق بهادار و سرمایه گذاری ها، بایستی به حساب ذخایر گذارده شده و اندوخته های مزبور نیز باید به کار انداخته شود.

در بند ۱۱ ماده ۷ قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی نیز به «درآمد ناشی از سرمایه گذاری ها و مدیریت وجوه و ذخایر سازمان های بیمه گر اجتماعی» به عنوان يك منبع تأمین مالی اشاره گردیده است.

در رابطه با فساد و اختلاس در سازمان تأمین اجتماعی، روزنامه ها تحلیل ها و تفسیرهای متفاوتی را منتشر کرده اند. برای نمونه، روزنامه «قانون» با تیتر «مرتضوی گیت»، نوشته است: «گزارش تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی به ریاست سعید مرتضوی» که روز چهارشنبه گذشته در مجلس شورای اسلامی قرائت شد «رسوایی بزرگی است که به اعتماد عمومی مردم آسیب های جبران ناپذیری می‌رساند، و یادآور «رسوایی واتر گیت است»

روزنامه قانون، تفاهم نامه میان سعید مرتضوی و بابک زنجانی برای واگذاری ده ها شرکت وابسته به سازمان تأمین اجتماعی به شرکت «سورینت قشم» متعلق به بابک زنجانی را «چوب حراج به تأمین اجتماعی» توصیف کرده است.

به نوشته این روزنامه، براساس این تفاهم نامه که در گزارش تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تأمین اجتماعی جزئیات آن فاش شده است قرار بود «۱۳۸ شرکت از مجموع ۲۰۷ شرکت سرمایه گذاری تأمین اجتماعی (شستا) شامل هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، فولاد خوزستان، فولاد مبارکه اصفهان، بانک صادرات، هتل های هما، پتروشیمی غدیر، پتروشیمی تبریز، شرکت ملی نفتکش، چوب و کاغذ ایران، شرکت های مختلف بیمه‌ای (ملت، میهن، دانا، پارسیان)، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، بانک های مختلف از جمله پاسارگاد، تات، پارسیان، دی، و صنایع مس باهنر به هلدینگ سورینت قشم» واگذار شود که چنین تفاهم نامه ای «دارای اشکالات عدیده حقوقی و عدم رعایت قوانین مصرح قانونی در ابعاد مختلف است».

این روزنامه، هم چنین با اشاره به پرداخت «۶ میلیارد تومان پاداش به مدیران دولت احمدی نژاد» از سوی سازمان تأمین اجتماعی، از محمدرضا رحیمی معاون اول محمود احمدی نژاد، محمد عباسی سرپرست وقت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، و عبدالرضا شیخ الاسلامی معاون وقت اجتماعی احمدی نژاد» به عنوان سه مقام ارشد دولتی نام برده است که بین ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تومان از سعید مرتضوی هدیه دریافت کرده اند.

روزنامه قانون، در ادامه گزارش خود، نوشته که علاوه بر این موارد، سازمان تأمین اجتماعی در دوره ریاست سعید مرتضوی با «پرداخت مبلغ ۳۵ میلیون و ۷۷۵ هزار تومان بابت خرید ۲ هزار جلد کتاب تحت عنوان «دوستت دارم مادر» نوشته محمدرضا فلاح تفتی برادر همسر سعید مرتضوی» اقدام کرده که «فاقد هرگونه ارتباط با حوزه تأمین اجتماعی است خریداری و در مراسم افطاری و برخی برنامه‌های دیگر سازمان در میان حاضران توزیع شده است».

روزنامه شرق، بخشی از گزارش تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی درباره «استفاده از امکانات و ظرفیت بخش درمان برای نیل به اغراض سیاسی» را مورد توجه قرار داده و به نقل از گزارش مجلس نوشته است پس از کاندیدا شدن «هما فلاح تفتی» همسر سعید مرتضوی در انتخابات شوراهای شهر تهران «روزنامه خورشید که در ایام تبلیغات انتخابات اخیر شوراهای شهر و روستا، وظیفه تبلیغات برخی از کاندیداهای وابسته به سعید مرتضوی را برعهده داشته است، به شکل هدایت شده ای در مراکز درمانی به شکل رایگان توزیع می‌شد» و «گزارش هانی مبنی بر بسیج کارکنان تأمین اجتماعی در مراکز مختلف درمانی برای حمایت از این کاندیداها واصل شده است».

هم چنین «مبلغ ۵۰ میلیون تومان بن رفاه در قالب پاکت های ۲۰۰ هزار تومانی به شرکت کنندگان در جشن مبعث در سالن نگین غرب سازمان تأمین اجتماعی از سوی علی روح بخش، مشاور اجرایی وقت سازمان اعطا شده است» در حالی که این جشن «به مناسبت آئین افتتاح جبهه متحد کارگران ایران اسلامی در روز جمعه ۱۷ خرداد [جوزا] ۹۲

برگزار شده و در این مراسم آقایان شیخ الاسلامی و خانم هما فلاح تفتی نامزدهای انتخابات شورای شهر در حوزه انتخابیه تهران حاضر بودند.»

روزنامه شرق، به نقل از گزارش تحقیق و تفحص مجلس نوشته است که «حمیدرضا فلاح تفتی برادرخانم سعید مرتضوی، مدیرعامل وقت» نیز از سازمان تأمین اجتماعی به شرکت نفت ایرانول با عنوان «مدیر پروژه احداث پایانه صادرات و واردات بندر امام خمینی» مأمور شده بود در حالی که «مدرک تحصیلی فوق دیپلم کامپیوتر» بوده است.

تهران امروز نیز در سرمقاله شماره پنجشنبه گذشته خود نوشته است با قرائت گزارش تحقیق و تفحص مجلس از فساد مالی گسترده در سازمان تأمین اجتماعی دوره محمود احمدی نژاد «مشخص شد بیش تر بهره مندان از این مزایای تبعیض آمیز با رقم های میلیاردی نزدیکان و دوستان و همکاران فردی و کسانی هستند که مدعی بودند پاک ترین دولت تاریخ جهان را اداره می کنند.»

روزنامه های نزدیک به اصول گرایان واکنش های متفاوتی به قرائت گزارش تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تأمین اجتماعی در دوره محمود احمدی نژاد و ریاست سعید مرتضوی نشان داده اند.

روزنامه کیهان، در تنها خبری با تیتیر «قرائت گزارش تحقیق و تفحص از تأمین اجتماعی و شستا در مجلس» را منتشر کرده است. و روزنامه جوان نزدیک به سپاه پاسداران نیز آن را «ناپاکی تأسف آور تأمین اجتماعی» توصیف کرده است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، ۶ مورد از این پرداخت ها که در بند ۳۱ تا ۳۷ از بخش مبالغ پرداخت شده در سال ۹۱ و شش ماهه اول ۹۲ آمده به شرح زیر است:

۳۱- آقای ناصر ناظم مدیرعامل شرکت «ایران مجری» به همراه همسر خویش «خانم فریبا علومی یزدی» جهت برگزاری ۳ برنامه (مراسم افطاری سالن اجلاس سران، مراسم افطاری هتل هما و مراسم کلنگ زنی بیمارستان شهید لواسانی) و بابت ساخت انیمیشن و برخی خدمات صوتی و تصویری و پذیرایی مجموعاً مبلغ ۱/۱۶۲/۰۰۰۰۰۰ ریال دریافت نموده اند که دلایل همکاری با ایشان به رغم وجود مشاور حقوق بگیر در سازمان جهت اجرای برنامه ها (آقای هوشنگ بختیاری) و هم چنین مبالغ قراردادهای منعقد شده، محل تأمل جدی است.

۳۲- مبلغ پانصد میلیون ریال بن رفاه در قالب پاکت های دو میلیون ریالی به شرکت کنندگان در جشن میعت (سالن نگین غرب سازمان) از سوی آقای علی روح بخش مشاور اجرایی وقت سازمان اعطاء شده است. حسب گزارش اداره کل روابط عمومی سازمان این جشن به مناسبت آئین افتتاح جبهه متحد کارگران ایران اسلامی این جشن در روز جمعه ۱۷/۳/۹۲ برگزار شده و در این مراسم آقایان شیخ الاسلامی و خانم هما فلاح تفتی (نامزدهای انتخابات شورای شهر در حوزه انتخابیه تهران) حاضر بوده اند.

۳۳- مبلغ چهارصد و پنجاه میلیون ریال وجه نقد به آقای ناصر برهانی، دبیرکل جبهه متحد کارگران ایران اسلامی، بابت فعالیت های فرهنگی و تبلیغاتی و آموزشی پرداخت شده است. جبهه مذکور فاقد ثبت، دفتر رسمی و حداقل های قانونی بوده و در ایام انتخابات تأسیس شده است. این جبهه در انتخابات اخیر شورای شهر تهران با سرلیستی آقای شیخ الاسلامی در صحنه سیاسی کشور حاضر شده بود و پس از آن عملاً تعطیل شده است. هم چنین آگهی تبلیغاتی این جبهه شامل لیست نامزدهای مورد حمایت در کل صفحه سوم روزنامه خورشید در تاریخ های ۱۸ الی ۲۰ خرداد ۹۲ منتشر شده است. حسب بررسی اسناد دریافتی از روزنامه خورشید وجه آگهی به مبلغ ۷۲۰ میلیون ریال در اسناد مالی روزنامه مذکور مشاهده نگردید ضمناً روزنامه خورشید در روزهای ۲۱ و ۲۲ خرداد نیز دو فقره آگهی تمام صفحه (صفحه سوم به صورت کامل رنگی) با عنوان کاندیدای های منتخب ستاد مهرپویان چاپ نموده که در این خصوص نیز هیچ سند دریافتی مشاهده نشد.

۳۴- بابت چاپ آگهی تشکر کانون های کارگری، پوستر شصتمین سالگرد سازمان، آگهی جشن تأمین اجتماعی و هم چنین آگهی تقدیر از شصت چهره ماندگار به ترتیب ۸۲۰ میلیون ریال، ۷۳۳ میلیون ریال، ۸۴۰/۴ میلیون ریال، ۶۳۸/۴ میلیون ریال به برخی مطبوعات پرداخت شده است.

۳۵- مبلغ ۹۶۰ میلیون ریال به آقای علی اکبر خبازها بابت مساعدت به کانون عالی کارگران بازنشسته و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده که حسب استعلام اخذ شده از خزانه دار کانون مذکور، مبلغ یادشده تحویل این کانون نگردیده است.

۳۶- جهت پیش نویس لایحه قانون جامع و مشاوره و تهیه گزارش در امور شورای حفظ حقوق و اموال سازمان به (۴ نفر حقوقدان) مبالغ ذیل پرداخت شده است:

آقای دکتر حیدری فرد حقوقدان ۱۴۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

خانم حسینی، وکیل دادگستری ۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

آقای اصلانی، وکیل دادگستری ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

آقای علی حسینی، وکیل دادگستری ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

۳۷- در روزهای پایانی دولت دهم و نزدیک شدن به اتمام دوره مدیریت آقای مرتضوی، پرداخت هانی در قالب های مختلف و تحت عناوینی که هر یک محل تأمل جدی است به عده ای از مدیران پرداخت شده که بررسی برخی از این پرداخت ها موجب روشن شدن اذهان ملت شریف است.

الف: در تاریخ ۶/۵/۹۲ حسب درخواست آقای روح بخش، معاون اداری مالی سازمان از مدیرعامل سازمان، مجوز پرداخت پاداش به دست اندرکاران تدوین بودجه سال ۹۲ از محل کارانه صادر می شود که طی آن به ۶۲ نفر از کارکنان سازمان مجموعاً مبلغ ۱۳۸۳ میلیون ریال پرداخت می شود که معاون اداری مالی وقت و سابق سازمان هر کدام ۷۰ میلیون ریال، معاونین درآمد و درمان هر کدام ۶۰ میلیون ریال، مدیران کل آموزش، مالی، درآمد و درمان غیر مستقیم هر یک مبلغ ۴۰ میلیون ریال دریافت داشته اند.

ب: در تاریخ ۶/۵/۹۲ حسب گزارش آقای رخشنده رو، معاون سابق اداری مالی و درخواست آقای روح بخش، معاون وقت اداری مالی و تأیید مدیرعامل از محل کارانه در اختیار موافقت می شود ۷۳۳۰ میلیون ریال برای تقدیر از مدیران سازمان به مناسبت جشن شصتمین سالگرد و هفته تأمین اجتماعی پرداخت شود که سهم هر یک از معاونین ۸۰ میلیون ریال، مدیران کل دفتر مدیرعامل، مالی، امور مجلس و اداری هر یک ۶۰ میلیون ریال، مدیران کل ستادی و استانی و مشاورین تمام وقت هر یک ۳۰ میلیون ریال و معاونین مدیران هر یک ۲۰ میلیون ریال بوده است.

ج: در تاریخ ۱۰/۵/۹۲ به ۱۸ نفر از مدیران و کارکنان سازمان بابت تولید ویژه نامه عملکرد یک ساله سازمان مجموعاً مبلغ ۲۷۰ میلیون ریال از محل کارانه پرداخت می شود که در میان گیرندگان آقای سیدعیسی حسینی، معاون وقت امور مجلس مبلغ ۴۰ میلیون ریال بیشترین دریافت را داشته است.

د: در تاریخ ۱۲/۵/۹۲ مدیرعامل سازمان با پرداخت ۱۲۰۰ میلیون ریال از محل کارانه بابت تقدیر از اعضای ستاد بزرگداشت شصتمین سالگرد تأمین سازمان موافقت می کند که به این ترتیب آقای علی روح بخش ۶۰ میلیون ریال، آقای بختیار ملکی مدیرکل دفتر مدیرعامل ۶۰ میلیون ریال، آقای رضائی مدیرکل امور اداری و آقای ضابطی مدیرکل روابط عمومی ۴۰ میلیون ریال، آقای دکتر عیسی حسینی معاون امور مجلس و آقای پیرداده خانی مدیرکل امور مالی هر کدام ۵۰ میلیون ریال بیشترین دریافت را داشته اند.

ه: در تاریخ ۱۳/۵/۹۲ مطابق درخواست آقای روح بخش و موافقت مدیرعامل، مجوز تسویه ۲۴۱ میلیون ریال کارت هدیه اعطانی به ۱۰ نفر از محل غیر شمول یا کارانه صادر می شود که در میان گیرندگان نام معاون اداری

مالي ۶۰ ميليون ريال (بابت مراسم كلنگزني بيمارستان لنگرود) معاون امور مجلس ۴۰ ميليون ريال و معاون درمان ۲۰ ميليون ريال وجود دارد.

و: در تاريخ ۱۵/۵/۹۲ مطابق درخواست آقاي روح بخش و موافقت مديرعامل، مجوز تسويه كارت هاي هديه به ۲۵ نفر از مديران و كاركنان (هر يك به مبلغ ۲۰ ميليون ريال) از محل كارانه صادر مي شود. در ميان گيرندگان نام معاون اداري مالي، معاون امور مجلس، مديران كل دفتر مديرعامل، امور مالي، امور اداري خدمات و رفاه و... وجود دارد.

ز: در تاريخ ۱۴/۵/۹۲ مجوز تسويه ۴۲ عدد سكه اعطائي به برخي مديران و... صادر مي شود كه ۷ سكه به آقاي روح بخش، ۳ سكه به آقاي ملكي، مدير كل دفتر مديرعامل، ۱۸ سكه به اعضاء هيأت امناء سازمان سند خورده است.

ح: در تاريخ ۱۴/۵/۹۲ مجوز تقدير از برخي مديران به مناسبت عيد سعيد فطر!! از سوي مديرعامل صادر مي شود كه به هر يك از معاونين سازمان و مدير كل دفتر مديرعامل هر کدام ۲ سكه و به مديران ستادي هر يك ۱ عدد سكه تمام بهار آزادي اعطاء مي شود.

ط: در تاريخ ۲۳/۵/۹۲ حسب درخواست آقاي دكتور ادببنيان، معاون وقت درمان سازمان و موافقت آقاي روح بخش از محل ۱ درصد پركيس سهم معاونت درمان مبلغ ۲۵۰ ميليون ريال در اختيار آقاي روح بخش قرار مي گيرد. در رسيد گيرندگان دو فقره دريافت ۵۰ و ۳۰ ميليون ريال) از سوي آقاي روح بخش و ۵۰ ميليون ريال به آقاي پورحسيني تفت، مدير كل دفتر راهبري سيستم ها و مدير كل امور مجلس وجود دارد. آقاي محمدحسين دهقاني اشكذري، از پرسنل دفتر مديرعامل نيز ۴۰ ميليون ريال دريافت داشته است.

ي: در تاريخ ۱۲/۶/۹۲ مبلغ ۶۰۰ ميليون ريال در قالب كارت هديه به دست اندركاران دفتر راهبري سيستم ها و پروژه ICT پرداخت مي شود كه از ميان ۶۵ نفر گيرنده مبلغ، نام آقاي پورحسيني تفت مدير كل مربوطه ۴۰ ميليون ريال، آقاي پيرداده خاني مدير كل امور مالي ۱۰ ميليون ريال، آقاي بختيار ملكي مدير كل دفتر مديرعامل ۱۰ ميليون ريال ديده مي شود!!!

به گزارش «تابناك»، ۲۱ آذر [قوس]

۱۳۹۲، رئيس كميسيون اصل نود درباره نام هائي كه مرتضوي به كميسيون اصل نود فرستاده بود، گفت: «همه نام هائي كه وي به ما داده، مربوط به مجلس هشتم است و اگر لازم باشد، آن ها منتشر مي شود و در كل كليات مشخص است.»

پورمختار درباره اسنادي كه به كميسيون فرستاده شده، گفت: «در كل ليستي كه به كميسيون فرستاده شده، نام حدود ۱۶۰ نماينده در آن وجود دارد كه با نام و مشخصات و مبلغ پرداختي است و هيچ کدام از نمايندگان در آن ليست، رسيدي به تامين اجتماعي نداده اند و يا حداقل رسيدش به دست ما نرسيده است.»

از سوي ديگر، به گزارش مهر، حسن كامران دستجودي، نماينده اصفهان در مجلس، با اشاره به حقوق ۱۵ ميليوني يكي از شركت هاي زيرمجموعه تامين اجتماعي گفت: «اين به جز پاداش هاي سوري است كه درست مي كند و كم ترين مبلغ آن ۴۰۰ ميليون تومان است. آن وقت ما براي يك رقم كوچك جنجال به پا کرده و مي گوئيم كه تامين اجتماعي ورشكسته شد در حالي كه از سوي ديگر حيف و ميل هاي بسياري در اين سازمان در حال اتفاق است.»

در دوران رياست جمهوري احمدي نژاد، تهاجم به سرمايه هاي سازمان تامين اجتماعي، شديدتر شد. تمام تلاش ها بر آن قرار گرفت كه از يك سو، دولت كمبودها و كسر بودجه خود را از اين سازمان تامين كند و از سوي ديگر، كارخانه

ها و مؤسسات سودآور تأمین اجتماعی را ورشکسته کردند تا بتوانند با قیمت نازل آن ها را به اطرافیان خود، از جمله «بابک زنجانی» بفروشند. هم چنین ثروت های بی حساب و کتاب و بدون کنترل را بین خودی هایشان تقسیم کنند.

«خانه ملت» خبرگزاری مجلس، روز شنبه ۲۳ آذر ۱۳۹۲، با انتشار اسناد متعددی از پرداخت های مرتضوی بر روی وب سایت خود نوشته است: «مرتضوی در تکذیبیه خود اعلام کرده بود بسیاری از پرداخت ها از محل منابع غیر شمول سازمان مذکور بنا به تصویب هیأت امنای این نهاد صورت گرفته و محل ایراد نیست در حالی که هیأت تحقیق و تفحص از تأمین اجتماعی بسیاری از این پرداخت ها را شبهه ناک و باعث تعجب می دانست که نمونه آن پرداخت ۵۰ میلیون تومانی به رحیمی معاون اول رئیس جمهوری دولت دهم بود که در ادامه، سند این پرداخت ارائه می شود.»

این خبرگزاری، با ارائه سند دیگری نوشت: «علاوه بر پرداخت مبلغ ۵۰ میلیون تومان از سوی سازمان تأمین اجتماعی به رحیمی، مبالغ دیگری نیز در سطوح همین پرداخت ها از سوی سعید مرتضوی صورت گرفت که نمونه بارز آن، مبلغ یک میلیارد ریال معادل ۱۰۰ میلیون تومان به شیخ الاسلامی وزیر قبلی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود.»

خانه ملت، می افزاید: «به دنبال همین بذل و بخشش ها و به دستور شخص سعید مرتضوی طی دو دستور مبلغ ۵۰ میلیون تومان و ۱۰۰ میلیون تومان در قالب کارت هدیه به عباسی سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تحویل داده شد.»

پیش از این، سعید مرتضوی در واکنش به گزارش مجلس از فساد مالی سازمان تأمین اجتماعی، در نامه ای به ریاست کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، نوشته بود که ۲۸۵ نفر از نمایندگان دوره پیشین مجلس، کارت هدیه و بن خرید این سازمان را دریافت کرده اند.

خانه ملت، روز جمعه در گزارشی دیگر چندین سند از پرداخت ها و قراردادهای فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی در زمان مدیریت سعید مرتضوی را منتشر کرده که شامل «قرارداد میلیونی با شبکه سه سیما» می شود.

بنا بر این گزارش، در حالی که هزینه پرداختی برای ساخت ویژه برنامه هفته تأمین اجتماعی به مبلغ یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال توسط سعید مرتضوی تکذیب شده اما اسناد این قرارداد در دست است. «خانه ملت» در عین حال سند این قرارداد را در سایت خود منتشر کرده است.

گزارش خانه ملت، ادامه می دهد: «در این قرارداد و چند قرارداد مشابه دیگر از سوی سازمان تأمین اجتماعی تنها یک شخص برای تهیه برنامه به صدا و سیما معرفی شده که این موضوع هم در جای خود قابل بررسی است، هم چنین وقتی مدیر عامل وقت سازمان تأمین اجتماعی این هزینه کرد را رد می کند یعنی خود او نیز به چنین هزینه هائی بی اعتقاد بوده و می داند پذیرش این هزینه ها غیرقابل قبول است.»

این گزارش می افزاید: «از مصادیق این هزینه کردها مراسمی برای تجلیل از رئیس جمهوری بود که تنها برای اجرای مجری برنامه ۴۰ میلیون ریال و برای فیلم برداری، عکاسی و سایر تبلیغات مراسم ۳۲۰ میلیون ریال هزینه شده است.»

خانه ملت، در بخشی دیگر از گزارش روز جمعه خود به هزینه های برگزاری مراسم شصتمین سالگرد سازمان تأمین اجتماعی می پردازد که در سه روز متفاوت و در سه مکان متفاوت برگزار شد؛ ۲۵ تیرماه در سالن اجلاس سران، ۲۹ تیرماه در سالن وزارت کشور و ۳۱ تیرماه در سالن هتل همای تهران.

به نوشته این خبرگزاری، «هزینه پذیرایی در سالن اجلاس سران ۶۰۴ میلیون و ۲۵۰ هزار ریال بوده که فقط ۳۵ میلیون ریال آن صرف هزینه های گل آرائی مراسم شده و کرایه سالن های برگزاری مراسم در سالن اجلاس سران ۵۸۲ میلیون و ۵۰۰ هزار ریال بوده است.»

این گزارش، می افزاید: «تندیس های اهدانی در این مراسم ۱۲۰ میلیون ریال و لباس نیروهای تأمین اجتماعی برای حضور در مراسم ۱۳۲ میلیون ریال هزینه داشته، هم چنین قریب به ۸۰۰ میلیون ریال هزینه رپرتاژ آگهی در روزنامه های کثیرالانتشار کشور برای درج پوستری با این عنوان «شصت سال تلاش، امسال موسم حماسه» شده است.»

در این خبر گفته شده است: «هم چنین جمع کل مبالغی که برای اجرای مراسم در هتل های تهران پرداخت شده ۱۰۶۸ میلیون ریال بوده و آن چه که در مورد برگزاری این مراسم در هتل های تهران جالب توجه است مالکیت هتل است، که ۱۰۰ درصد سهام آن متعلق به خود سازمان تأمین اجتماعی است.»

به نوشته خبرگزاری خانه ملت، برای برگزاری مراسم مختلف سازمان تأمین اجتماعی «یک بازنشسته ارتش تحت عنوان مشاور جهت اجرای برنامه های سازمان تأمین اجتماعی قرارداد منعقد نموده که ماهیانه حقوق و دست مزد دریافت می نموده است و برای اجرا در این برنامه ها جمعاً ۱۱۶۲ میلیون ریال به شرکت مذکور پرداخت شده که سندی مبنی بر برگزاری مناقصه جهت واسپاری امور مذکور موجود نیست.»

در پایان این گزارش آمده است: «مراسم دیگری در سازمان تأمین اجتماعی تحت عنوان همایش تجلیل از چهره های ماندگار سازمان تأمین اجتماعی برگزار شده است که هزینه برگزاری آن قریب به ۶۰۰ میلیون ریال بوده و ۶۰ سکه قطعه سکه تمام بهار آزادی برای اهدا به ۶۰ چهره ماندگار سازمان ارائه شده، علی رغم این که نام چهره های ماندگار برای دریافت این سکه ها درج شده اما امضا یا رسیدی از این نام ها در راستای تأیید دریافت هایشان وجود ندارد.»

سازمان های بیمه نی در ایران، مربوط به مزدبگیرگان متعدد است. بخش بزرگی از آن، مربوط به استخدام رسمی دولتی است که نام آن موسوم به «خدمات درمانی» است و بخش بزرگی هم مربوط به شاغلان بخش خصوصی و استخدام پیمانی دولتی است که «سازمان تأمین اجتماعی» متولی آن است. البته به غیر از نیروهای مسلح و برخی بانک ها و سازمان های دیگر که دارای سازمان های بیمه نی خود هستند.

سازمان تأمین اجتماعی در ایران، منابع عظیم درآمدی دارد. بر اساس قانون، از قراردادهای دولتی، چه پیمان کاری و چه مشاوره و یا قرار دادهای پژوهشی غیره، مبلغ «پانزده ممیز شصت و هفت درصد» از مبلغ قرارداد باید به حساب سازمان تأمین اجتماعی، بابت سهم بیمه کارفرما واریز گردد. (۲۳ در صد سهم کارفرما ۲۳ درصد است) این در صد برای سازمان های عمومی مثل شهرداری ها و یا بنیادها، ۱۶/۷ در صد است. (کارکنان باید ۷ درصد سهم خود را نیز پرداخت کنند)

بر این اساس اگر فقط بودجه عمرانی دولت و شهرداری ها را در این در صدها ضرب کنیم مبلغ بالایی عملاً سهم این سازمان عریض و طویل خواهد شد که با توجه به آن که شاغلان در این بخش ها شاید حدود ۲۰ درصد از بیمه شده ها را در بر بگیرد خود بزرگی را نشان می دهد.

البته این مبالغ بسیار بیش تر از حق بیمه کارکنان این بخش ها بوده که اضافه پرداختی هیچ گاه از طرف تأمین اجتماعی نه به کارفرما و نه به بیمه شدگان و نه به دولت، برگردانده نمی شود.

هم چنین چندین سال است که تأمین اجتماعی بابت بیمه کارگران ساختمانی از هر متر مربع ناخالص پروانه ساختمانی حدود ده هزار تومان در تهران و احياناً به همین نسبت نیز در شهرستان ها دریافت می کند.

اگر حداقل پروانه ساختمان در کل ایران را در سال ۹۱ برابر ۱۰۰ میلیون متر مربع در نظر بگیریم، در نتیجه رقمی در حدود هزار میلیارد تومان دریافتی از این منبع درآمد خالص این سازمان است که از این بابت تقریباً هیچ يك از کارگران ساختمانی بیمه نمی شوند و یا در صد بسیار کمی از این طریق بیمه شده اند.

به این ارقام باید کارکنان شاغل در کارخانه ها و قراردادهای بیماتی سازمان های دولتی و نیمه دولتی و سهم دولت بابت کارگانه ای زیر ده نفر را اضافه کنیم که بابت حق بیمه حدود ۳۰ در حقوق هر فرد به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می شود که در نتیجه درآمد سازمان تأمین اجتماعی سر به فلک می زند.

سازمان تأمین اجتماعی، بخشی از درآمد خود را در بخش های اقتصادی سرمایه گذاری می کرد تا در آینده بتواند به تعهدات خود در قبال بیمه شدگان و بازنشستگان عمل کند. هم اکنون این سرمایه گذاری ها، سود سالیانه ای را برای این سازمان تأمین می کنند.

بخش دیگری از درآمد این سازمان، مربوط به دریافت جرایمی از کارفرمایان است که حق بیمه های کارکنان خود را پرداخت نکرده اند و در برخی مواقع، حتا به مصادره اموال و املاک مبادرت کرده است که این اموال نیز بسیار زیاد است.

این درآمدها در دو ردیف اصلی هزینه می گردند. اول بهداشت و درمان بیمه شدگان و ساخت بیمارستان و دوم حقوق بازنشستگان. در مورد اولی که بیمارستان های تأمین اجتماعی به بدترین وجه ممکن و با ازدحام بسیار زیاد روبرو است و تقریباً حدود ده سال است که از ساخت بیمارستان جدید خبری منتشر نشده است.

در مورد دوم نیز، این سازمان با ترفندهای زیاد و محاسبات پیچیده و باندهایی و مقررات من درآوردی، حتی حقوق بازنشستگان را بسیار کم تر از آن چه باید پرداخت کند محاسبه می کند که همواره مورد اعتراض بیمه شدگان بوده است.

در نتیجه به سبب خدمات بسیار نازل سازمان تأمین اجتماعی، به خصوص در بخش درمان، بسیاری از بیمه شدگان برای استفاده از امکانات بیش تر خود را «بیمه تکمیلی» کرده اند که رقم آن از مبالغ دریافتی سازمان تأمین اجتماعی، کم تر است.

برای نمونه، با پرداخت حدود ۳۵۰ الی ۵۰۰ هزار تومان در سال (ماهانه بین ۳۰ الی ۴۰ هزار تومان) بابت بیمه تکمیلی می توان از خدمات نسبتاً مناسبی بهره مند شد؛ در صورتی که سازمان تأمین اجتماعی بابت هر نفر مبلغ حداقل يك میلیون و پانصد هزار تومان (بر اساس حداقل حقوق) در سال دریافت می کند و اگر تمام درآمد این سازمان را به بیمه شدگان تقسیم کند شاید سرانه ای برابر ۵ میلیون تومان بالغ گردد.

در تاریخ یکشنبه چهاردهم مهر [میزان] ۱۳۹۲ - ششم اکتوبر ۲۰۱۳، گفتگونی با محمود صالحی، چهره شناخته شده جنبش کارگران ایران (ساکن شهر سقز)، درباره سازمان تأمین اجتماعی داشتیم، به روشنی نشان می دهد که مدیران و مسوولین بیمارستان های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی، چه برخوردهای زشت و زننده و توهین آمیزی با بیماران دارند.

بهرام رحمانی: آقای محمود صالحی گرامی، بی نهایت سپاسگزارم که این دعوت مرا برای گفت و گو درباره سازمان تأمین اجتماعی ایران پذیرفتید. اگر اجازه بدهید اولین سوال را در مورد تجمع روز ۹۲/۶/۲۵، در داخل بیمارستان تأمین اجتماعی سقز مطرح کنم. این تجمع به چه دلیل برگزار شده بود؟ خواسته های تجمع کنندگان کدام ها بودند؟ هم چنین در خبرها آمده بود که شما را در این تجمع چند ساعتی بازداشت و بازجویی کردند. چرا؟

محمود صالحی: خیلی از شما سپاسگزارم که این مصاحبه را ترتیب دادید.

بیمه شدگان تأمین اجتماعی در شهرهای ایران، مکرراً در مورد خدمات ناچیزی که از طرف بیمارستان تأمین اجتماعی ارائه می‌شود، معترض هستند. این اعتراضات هر روز وسعت گسترده تری به خود می‌گیرد. در یک کلام، یعنی بیمه شدگان سازمان تأمین اجتماعی همیشه آماده اند تا علیه مسؤولان سازمان و یا بیمارستان اعتراض کنند. چون هر زمان به سازمان و یا بیمارستان مراجعه می‌کنید تعداد زیادی مراجعه کننده صف کشیده اند و منتظراند تا نوبت شان برسد. یعنی ساعت ۵ صبح، وقتی همه مردم در خواب هستند تعدادی از کارگران ساختمانی جلو درب سازمان تأمین اجتماعی در انتظار هستند تا این که درب سازمان باز شود و کار این کارگران ساختمانی را انجام دهند. وقتی به بیمارستان مراجعه می‌کنید، مشاهده خواهید کرد که تعداد زیادی مریض در انتظار نوبت هستند. یعنی اگر ساعت ۸ صبح به بیمارستان مراجعه کنید، بنا به گفته مسؤولان بخش پذیرش بیمار می‌گویید: «دکتر نیست» این جمله مسؤولان پذیرش مثل طوطی ست که حرفی به او یاد داده اید. مکرراً این جمله تکرار می‌شود.

تجمع روز ۹۲/۶/۲۵، در داخل بیمارستان تأمین اجتماعی سقز، به این شکل بود که شخص خودم مریض بودم و از ساعت ۸ صبح، به بیمارستان تأمین اجتماعی مراجعه کردم. چند نفر زن ایستاده بودند و مسؤول پذیرش، درب اتاقش را بسته بود و هر چند دقیقه یک بار دریچه اتاق را باز می‌کرد و می‌گفت: «دکتر نیست، بروید» زنان هم معترض بودند که چرا ساعت ۸ صبح دکتر نیست؟ با دیدن این واقعه، من هم به جمع معترضان پیوستم و دفترچه ام را جلو درب شیشه ای جهت نوبت گذاشتم. مسؤول پذیرش داد زد: «دکتر تمام شده است» من هم رو به مسؤول پذیرش گفتم جناب مگر دکتر قند، روغن یا برنج است که ساعت ۸/۵ صبح تمام شده باشد؟ مسؤول پذیرش سرش را از دریچه بیرون آورد و رو به ما گفت: «بروید نزد مسؤول بیمارستان» ما هم در جواب گفتیم، چشم ما نزد مسؤول بیمارستان خواهیم رفت.

من و چند نفر به اتاق مسؤول بیمارستان مراجعه کردیم. قبل از هر چیز آهسته درب اتاق مسؤول محترم را زدیم ولی صدائی شنیده نشد. این در حالی بود که مسؤول محترم نشسته بود و ظاهراً مشغول امضاء کردن نامه ای بود. ما دیدیم کسی جواب نداد وارد اتاق شدیم و به مسؤول بیمارستان سلام دادیم. اما مسؤول محترم، نه تنها جواب سلام ما را نداد، بلکه حتا سرش را هم بلند نکرد. بعد از چند دقیقه که ما در اتاق ایشان بودیم یک مرتبه سرش را بلند کرد و مثل این که همه ما مجرم باشیم، خطاب به ما گفت: «آ چه می‌خواهید» من هم در جواب گفتم: «جناب ما ساعت ۸/۵ نیم صبح آمدیم و مسؤول پذیرش می‌فرماید که دکتر تمام شده؟ مسؤول بیمارستان گفت: «خوب تمام شده، وقتی یک رستوران غذا را تمام می‌کند باید چکار کند، دکتر هم تمام شده.»

من هم رو به جناب مسؤول که مثل برج زهرمار بود، نگاه کردم و خطاب به او گفتم. جناب این جا بیمارستان است و همیشه باید دکتر داشته باشد. یا این که شما هم مثل رستوران تابلوی بیمارستان را برگردانید و بنویسید دکتر تمام شده است؟ مسؤول بیمارستان، از این جمله من خیلی عصبی شد و با صدای بلند داد زد: «دکتر نداریم بروید بیرون» میان ما و مسؤول بیمارستان صحبت هانی رد و بدل شد. اما مسؤول بیمارستان به جای این که ما را قانع کند به نیروی انتظامی داخل بیمارستان زنگ زد. با آمدن نیروی انتظامی، وضعیت حالت دیگری پیدا کرد. این پار مسأله خیلی جدی تر شد و ما مریض ها انتظار نداشتیم که مسؤولان بیمارستان به جای این که ما را مداوا کنند دستور بدهند که ما را بازداشت کنند! چون ما همیشه در تاریخ خوانده بودیم که بیمارستان و کسانی که در آن خدمت می‌کنند مریض را مداوا می‌کنند، نه این که آنان را بازداشت کنند! این هم از عجایب دنیای سرمایه داری است که بیمارستان را به دادگاه و کلانتری تبدیل کرده اند.

وقتی ما مراجعه کنندگان متوجه شدیم که نیروی انتظامی را صدا کردند بلافاصله به میان مردمی که در سالن بیمارستان بودند آمدیم و من خطاب به مردم معترض گفتم: مردم هر کدام از ما، در ماه یک سوم حقوق مان را به

سازمان تأمین اجتماعی پرداخت می کنیم، وقتی ما یک سوم حقوق خود را به سازمان پرداخت می کنیم، این سازمان موظف است که به همه ما، طبق قانون تأمین اجتماعی خدمات ارائه دهد. اما این بیمارستان، نه این که به ما خدماتی ارائه نمی دهد، بلکه به ما هم توهین می کند. وقتی ما بیمه شدگان به بیمارستان مراجعه می کنیم با برخوردهای غیرانسانی تعدادی از مسؤولان بیمارستان روبرو می شویم و هر زمان اعتراض می کنیم، مسؤولان بیمارستان اظهار می کنند که بودجه برای استخدام دکتر نداریم. اما اگر به گزارشات نمایندگان مجلس، نگاهی کوتاه داشته باشیم متوجه خواهیم شد که چطور از سرمایه ما، به یک مدیرعامل در ماه ۱۵ میلیون تومان دست مزد پرداخت می کنند! و یا ۴۰۰ میلیون تومان، به عنوان پاداش به مسؤولان می دهند و... بعد از این صحبت ها نیروی انتظامی آمد و من را به داخل اتاق مسؤول بیمارستان بردند. اول خیلی تند برخورد کردند و من را تهدید می کردند که برایت صورت جلسه می کنیم که به ما توهین کرده اید و... عملاً جلو من را گرفته بودند که از اتاق خارج نشوم. مردم هم پشت در ایستاده بودند. من هم رو به نیروی انتظامی کردم و گفتم که در این مورد دخالت نکنید. ما بیمه شدگان این مکان را متعلق به خودمان می دانیم و تمام اشیائی که در این بیمارستان موجود است مال ماست. ولی نمی دانم چرا شما خود را مالک این بیمارستان می دانید؟ شما به عنوان نیروی انتظامی، تنها می توانید هر چیزی که ما بین ما و آقای رئیس رخ داده مکتوب کنید و با هم به دادستانی برویم، دیگر حق ندارید از من بازجویی کنید. خلاصه مسؤول نیروی انتظامی، وقتی متوجه شد ما از صورت جلسه و اظهارات تند آنان هراسی نداریم دست من را گرفت و به سوی حیاط بیمارستان برد. مسؤول نیروی انتظامی، از من درخواست کرد که بروم و کاری به این ها نداشته باشم (یعنی مردم) و... بعد از این که خیلی با او صحبت کردم به بیمارستان برگشتم و میان مردم قرار گرفتم و حدود ۲۰ دقیقه برای تجمع کنندگان در مورد حقوق خودمان صحبت کردم و رو به آنان گفتم: ما بیمه شدگان، هر زمان به بیمارستان مراجعه می کنیم با برخورد غیرمسؤولانه کارکنان آن روبرو می شویم. بیاید به این تابلو نگاه کنید، برای این که کلاه سر ما بگذارند، حقوق ما مراجعه کنندگان را با خط درشت نوشته اند: «به منظور رفاه حال شما مراجعین عزیز این مرکز درمانی طرح پذیرش نوبت دهی تلفونی جهت بیماران سرپائی پزشکان عمومی، دندانپزشکی، مامائی و متخصصین داخلی، جراحی عمومی، مغز و اعصاب و... کار انجام می پذیرد. شماره تلفن (۸ خط): ۳۲۲۰۱۰۱ است» اما این تنها یک نوشته بدون عمل است. این نوشته تنها برای خانواده کادرهای بیمارستان است نه برای ما بیمه شدگان.

مسؤولان بیمارستان این نوشته را به این خاطر به این جا آویزان کرده اند تا به ما بگویند که به مراجعان خدمات می دهیم. در حالی که مراجعان از ساعت ۴ صبح در جلو درب این درمانگاه صف کشیده اند تا در وقت اداری باز شود و چند نفر از مراجعین را بپذیرند.

به نظر ما، این تابلو را باید بردارند. چرا که ما عملاً می بینیم که برای یک پزشک عمومی، ۷۰ نوبت می دهند (به گفته مسؤولان پذیرش) آیا به نظر شما، یک پزشک می تواند در روز ۷۰ مریض را معاینه کند؟ آیا تشخیص آن پزشک می تواند درست باشد؟ اما بنا به اظهارات مسؤولان بهداشت و درمان، هر پزشک باید در روز ۲۰ مریض را معاینه کند.

اما وقتی ما درخواست می کنیم که بیمه شدگان زیاد شده و باید بیمارستان هم پزشک های خود را زیاد کند، به ما بی احترامی می شود و بلافاصله از نیروهای انتظامی درخواست می کنند که ما معترضان را بازداشت کنند. به نظر شما، چرا هر زمان ما اعتراض می کنیم بلافاصله به نیروهای انتظامی و اطلاعاتی زنگ می زنند و ما را به اغتشاش گر و مخل نظم عمومی متهم می کنند. عده ای از مسؤولان بیمارستان، از نظر خودشان تحصیل کرده هستند ولی به نظر من، این افراد هیچ وقت برای خدمت به مردم تحصیل نکرده اند، بلکه مثل یک سرمایه دار عمل می کنند. چطور سرمایه دار، تمام تلاش خود را برای استثمار هر چه بیش تر کارگران به کار بیندازد، مسؤولان و پزشکان تحصیل

کرده هدف شان خالی کردن جیب مردم و بیماران است. اگر هر کدام از ما سالی یک بار نزد دکتر برویم جهت یک سرماخوردگی کوچک، باید دست مزد یک ماه خود را هزینه کنیم تا این که بهبود یابیم. حال یک خانواده ۵ نفره را در نظر بگیرید که در صورت بیماری چه قدر باید هزینه کند؟

در چنین وضعیتی ما بیمه شدگان، چرا باید یک سوم حقوق خود را به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کنیم؟ در حالی که سازمان موظف است برابر اساسنامه خود، به ما خدمات ارائه دهد.

مسئولان بیمارستان، وقتی مشاهده کردند که معترضان زیاد شدند، با کلانتری تماس گرفتند و درخواست کردند تا نیروی بیش تری برای سرکوب ما بفرستند.

قابل ذکر است در طول این اعتراض، تعدادی از مسئولان بیمارستان که به شکلی من را می شناختند نزد من آمدند و اظهار می کردند: «ما می دانیم شما مریض هستید، ما شما را اورژانسی نزد دکتر می بریم و...»

اما من از این که اورژانسی نزد دکتر بروم خودداری کردم و گفتم من امروز نیازی به دکتر ندارم. من تنها برای خودم داد نمی زنم، بلکه برای آن کسانی است که با پرداخت یک سوم از حقوق خود هنوز نمی دانند که این بیمارستان متعلق به همه ماست. من برای خود صحبت نمی کنم، بلکه برای کسانی صحبت می کنم که نمی دانند سرمایه سازمان تأمین اجتماعی در چه زمینه های مصرف می شود؟ وقتی یک مجرم، به نام مرتضوی را به داخل این تشکیلات می آورند، ما باید چکار کنیم؟ وقتی ۱۰ میلیارد تومان سرمایه ما حیف و میل می شود، نه کسی محاکمه می شود و نه کسی متهم. اما وقتی ما صاحبان سازمان، درخواست دکتر و درمان کنیم، بلافاصله سر و کلیه نیروی انتظامی پیدا می شود و ما را سرکوب می کنند.

خواست ها و مطالبات ما بیمه شدگان، از بیمارستان این است که به هر شکلی که باشد باید دکتر و امکانات پزشکی را در این بیمارستان افزایش دهند، وقتی شما برای یک دکتر ۷۰ نفر را ردیف می کنید آن دکتر اگر تنها به سلام مریض ها جواب دهد، دیگر فرصت درمان درد مریض را ندارد. از این رو، به نظر ما، علم پزشکی دیگر توان درمان دردهای شهروندان جامعه را ندارد. بیمارستان باید دکتر بیش تری استخدام کند. پولی که هر روز در این سازمان، حیف و میل می شود باید آن را به دکترها داد تا با امنیت بیش تری شغل خود را دنبال کنند.

هنگامی که نیروی انتظامی رسید و من را به داخل اتاق مسئول بیمارستان بردند. حدود یک ساعت با هم صحبت کردیم. در نتیجه نیروی انتظامی، محل را ترک کرد و ما هم بعد از ۳ ساعت آن محل را ترک کردیم. اما با بیمه شدگان، قرار گذاشتیم که این اعتراضات را تا رسیدن به خواست ها و مطالبات خود در روزهای آینده ادامه دهیم.

* متن کامل این گفت و گو را می توانید در لینک زیر مزاعه نمائید:

<http://www.etehad.se/artikel/9312>

در روزهای اخیر برخی نمایندگان مجلس که گفته می شود از دریافت کنندگان پول از سعید مرتضوی بوده اند، تمام قدرت خود را به کار انداخته اند تا تقصیرها را به گردن روزنامه ها بیندازند؛ ادعائی که با تأیید محمدرضا باهنر، نائب رئیس مجلس نیز همراه شده است.

در جلسه مجلس، حمید رسائی نماینده عضو پایداری در تذکری آئین نامه ای خطاب به محمد رضا باهنر، گفت: «گزارش تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی که در روزهای قبل در مجلس قرائت شد حاشیه هائی را به همراه داشت متأسفانه چند روز است که تیتر برخی از روزنامه ها یکی از موضوعات این تحقیق و تفحص است. دستگاه قضائی باید با هر کسی که تخلف انجام داده، برخورد کند حتی اگر نماینده مجلس باشد، اما از این حاشیه ها به شکل سیاسی بهره برداری می شود و شایسته بود که اسامی در این تحقیق و تفحص برده نشود تا نتیجه از سوی قوه قضائیه اعلام شود.»

او، افزود: «مطبوعات فضائی درست کردند که انگار نمایندگان خورده اند و برده اند این خیانت به نظام و در حق مجلس است باز هم تأکید می‌کنم اگر تخلفی از سوی نماینده ای انجام شده حتماً باید با آن برخورد شود.»

محمد رضا باهنر، رئیس جلسه نیز مطبوعات را مقصر دانسته و گفته است: «برخی رفتارهای رسانه‌ئی در خصوص این اتفاق اخیر درست نبوده است، این جوسازی‌ها ظلم به نظام و خدمتگزاران به نظام است و این اقدام در همه ادوار مجلس اتفاق افتاده است. اگر خدای نکرده کسی در این پرونده سوء استفاده شخصی انجام داده، هیأت رئیسه حتماً آن پرونده را به قوه قضائیه ارسال خواهد کرد و قوه قضائیه نیز به دقت بررسی خواهد نمود.»

سعید مرتضوی، دادستانی که نامش به دادگاه‌های مطبوعات و توقیف موقت و بی‌سرانجام تعداد زیادی از نشریات در سال‌های اخیر گره خورده است. او از اردیبهشت ماه [ثور] سال ۱۳۸۲ و هم‌زمان با احیای دادستانی در زمان ریاست آیت‌الله شاهرودی بر قوه قضائیه، سمت دادستان عمومی و انقلاب تهران را بر عهده داشت.

مرتضوی، هم‌چنین در پرونده‌های مشهوری چون پرونده زهرا کاظمی، روزنامه نگار جان سپرده در بازداشتگاه اوین، دست داشت.

روزنامه شرق، روز یکشنبه ۲۴ آذر از پرداخت‌های میلیونی سعید مرتضوی به متهمان جنایات بازداشتگاه کهریزک گزارش داده و نوشته است: «پای چند قاضی متهم دیگر در پرونده کهریزک، به پرونده فساد مالی تأمین اجتماعی باز شده است.»

به نوشته روزنامه شرق، «بر اساس اسناد تحقیق و تفحص مجلس، قاضی حداد و حیدری فر با وجود پرونده‌های باز در دستگاه قضائی» مبلغ پنج میلیون تومان «به عنوان حق الزحمه بابت کار پژوهشی درباره پیش نویس لایحه قانون جدید سازمان تأمین اجتماعی» دریافت کرده اند.

روزنامه شرق مبالغی که سعید مرتضوی در دوره ریاست تأمین اجتماعی به عنوان پاداش به «قاضی حسن حداد و علی اکبر حیدری فر» پرداخت کرده است را پنج میلیون تومان عنوان کرده و از قول صالح نیکبخت، وکیل دادگستری، نوشته است: «باید مشخص شود که مرتضوی بر اساس چه قراردادی مبالغی را به این دو نفر که جزو معاونان او در تأمین اجتماعی بوده اند، اهداء کرده. اگر این افراد کارمند بوده اند، نمی‌توانند به غیر از حقوق کارمندی دست‌مزد دیگری هم دریافت کنند.»

به گفته صالح نیکبخت، «در غیر این صورت نیز باید قراردادی که این افراد بر اساس آن برای سازمان کار کرده اند، مشخص شود. فارغ از این مسأله باید بررسی شود که اصلاً این موضوع در حوزه اختیارات مرتضوی بوده یا نه و آیا مقررات انجام این کارها رعایت شده است؟»

روزنامه شرق، هم‌چنین خبر داده است که نام «نجات انامی» و «حسن حیدری» به عنوان «حقوق دان» در میان فهرست کسانی که از سعید مرتضوی در دوره ریاست سازمان تأمین اجتماعی پول یا کارت هدیه چند میلیونی دریافت کرده اند.

روزنامه شرق، یادآوری کرده است که «حسن زارع دهنوی» با نام مستعار «قاضی حداد» معاون امنیت دادستانی تهران، علی اکبر حیدری فر دادیار، و سعید مرتضوی دادستان تهران در سال ۸۸ پس از افشای کشته شدن شماری از بازداشت‌شدگان پس از انتخابات در بازداشتگاه کهریزک و متهم شدن در این پرونده «از سمت خود تعلیق شدند.»

به نوشته این روزنامه، دادگاه قضات متهم در جنایات بازداشتگاه کهریزک پس برگزاری ۱۱ جلسه غیرعلنی «سه قاضی متهم پرونده سعید مرتضوی، حسن زارع دهنوی و علی اکبر حیدری فر را به اتهام بازداشت غیرقانونی به انفسال دایم از خدمات قضائی و پنج سال انفسال از خدمات دولتی محکوم شدند و اکنون هر دو این‌ها به همراه مرتضوی آزادند.»

مرتضوی شش سال دادستانی تهران را برعهده داشت. شاید اگر فرزند عبدالحسین روح الامینی در کهریزک کشته نشده بود، این مشکلات هم به وجود نمی آمد. روح الامینی، دبیرکل حزب توسعه و عدالت ایران اسلامی، از اعضای سابق جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی و مشاور محسن رضانی در انتخابات سال ۱۳۸۸ بود. روح الامینی در هشتم شهریور ۱۳۸۸، در یک دیدار جمعی با خامنه ای خواستار استیفای حقوق آسیب دیدگان حوادث بعد از انتخابات شد و خامنه ای نیز گفت: «همه افرادی که در این حوادث دچار آسیب شده اند، بدانند نظام، تصمیم بر مجامله و گذشت ندارد و همان گونه که با افرادی که صریحا با نظام مقابله می کنند از موضع قانون و حق برخورد می کند، اگر کار بد و جنایتی انجام شده باشد، با عوامل این اقدامات نیز از موضع قانون و حق، برخورد خواهد شد.»

در این واقعه خامنه ای دچار مشکل شد. چرا که عبدالحسین روح الامینی نیز یکی از «سربازان» ولایت محسوب می شد و چنانچه به خواسته او هم رسیدگی نمی شد، شاید مشکل حکومت بیش تر می شد.

پس از ماجرای کهریزک و برکناری مرتضوی از مسؤلیت های قضائی، محمود احمدی نژاد او را به دولت برد. گفته می شد که کنار گذاشتن مرتضوی با هدف فراموش شدن ماجرا صورت گرفته و قرار است او چندان در محافل عمومی ظاهر نشود تا ماجرای کهریزک فراموش شود. اما محمود احمدی نژاد او را به صف اول تقابل دولت و مجلس فرستاد و نام مرتضوی بیش از گذشته مطرح شد. تقابل علنی مجلس و قوه قضائیه با سعید مرتضوی هم امکان برخورد با اتهامات او را فراهم نکرد. گرچه مرتضوی در ماجرای پرونده کهریزک در دادگاهی کاملا نمایشی و مسخره به «انفصال از خدمت و پرداخت دویست هزار تومان جزای نقدی» محکوم شد، اما این محکومیت مورد اعتراض مرتضوی قرار گرفت.

سایت الف، وابسته به احمد توکلی نماینده مجلس اخیراً گزارشی منتشر کرده که در آن پرونده سعید مرتضوی در چهار دوره مجلس ایران یادآوری شده است. به نوشته این سایت:

او در پرونده تحقیق و تفحص از مرگ زهرا کاظمی در مجلس ششم به عنوان متهم ردیف اول معرفی شد. در سال ۱۳۸۷ در گزارش هیأت تحقیق تفحص مجلس از قوه قضائیه اقدامات سعید مرتضوی دادستان وقت تهران در پرونده فروش سؤالات کنکور افشاء شد. در ماجرای بازداشتگاه کهریزک هم کمیته ای در مجلس تشکیل شد که بر اساس گزارش نهائی آن دردی ماه [جدی] سال ۸۸، انتقال بازداشت شدگان ۱۸ تیر [سرطان] به کهریزک با دستور و اصرار سعید مرتضوی، صورت گرفته بود. در ماجرای استیضاح وزیر کار و پخش نوار فلم ضبط شده از فاضل لاریجانی نیز رد پای او هم چنان وجود داشت. تحقیق و تفحص مجلس از سازمان تأمین اجتماعی، در واقع پاسخی به این اقدام مرتضوی بود.

به دنبال بالا گرفتن اختلاف ها، سایت خانه ملت وابسته به مجلس شورای اسلامی، خواسته است که با توجه به تکرار نام مرتضوی در پرونده های متعدد تخلف و این که این روزها وی دیگر در دستگاه اجرایی حامی ندارد، قوه قضائیه در پرونده های او وارد شود.

عبدالرضا عزیزی، رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در آذرماه ۱۳۹۱ طی گفت و گونی با روزنامه بهار ضمن دفاع از سعید مرتضوی، گفته بود: «آقای دکتر مرتضوی یک جوان، انقلابی و مورد وثوق و اعتماد نظام است. زحمات زیادی برای نظام کشیده و ممکن است اشتباهاتی هم داشته باشد.»

او پرسیده بود که «خون سه نفر مهم است یا کل ایران و اسلام و جهان؟» و «مثل این می ماند که یک پزشک که عمل ختنه انجام دهد از هزار ختنه ۹۹۹ تا را درست انجام دهد و در یک مورد اشتباه کند که شما الان همان یکی را می بینید. شما باید همه ختنه ها را با هم ببینید. آقای دکتر مرتضوی آن ماجراها را مدیریت کرد.»

عزیزی، هم چنین گله کرده بود: «متأسفانه مملکت ما همین طور است. یک نفر می آید خدمت می کند بعد خوب که رس اش را کشیدند می گویند بفرما برو بیرون.»

حسن خسته بند، نماینده بندرانزلی نیز ضمن دفاع از مرتضوی، گفته بود: «مشکلات فعلی که برای دکتر مرتضوی ایجاد می شود و بسیاری از پرونده سازی ها به خاطر وظیفه شناسی و اقتدار وی در اجرای قانون و ایفای وظایف دادستانی در ایام فتنه بعد از انتخابات سال ۸۸ است.»

او، هم چنین با اشاره به سابقه مرتضوی، یادآور شده بود: «دکتر مرتضوی در آن سال ها در برابر بسیاری از معاندان و فتنه گران سیاسی و مطبوعاتی مردانه ایستاد و اجازه نداد مطبوعاتی که پایگاه دشمن شده بودند به نظام اسلامی ضربه وارد کنند.»

در ماجرای قتل های کرمان هم مشخص شد که «طبق ابلاغیه دفتر مقام معظم رهبری در موارد احکام قصاص صادره از محاکم، در مورد مأموران و بسیجیانی که در مقام انجام وظیفه شرعی یا اعتقاد به مهدورالدم یا تحت عنوان نهی از منکر مرتکب قتل عمدی شده یا می شوند، مقرر فرموده اند هر مورد از این قبیل با تکیه بر جهتی که شایسته است موجب تبدیل قصاص به دیه شود.»

ماجرای قتل های زنجیره ای هم نمونه دیگری از همین ماجرا است. برخی متهمان قتل ارتقا مقام گرفتند و برخی محکومان نیز بعدها آزاد شدند و به وزارت اطلاعات بازگشتند. اما مرگ سعید امامی در زندان یکی از بحران های اساسی در این زمینه بود. مرگ او و انتشار بازجویی ها و شکنجه های همسرش موجب نگرانی های گسترده ای در میان «سربازان ولایت» در ایران شد. بعدها فهیمه دری نوگورانی همسر سعید امامی، در گفت و گو با مرکز اسناد انقلاب اسلامی گفت: «از گوشه و کنار شنیدیم توجیه آوردند که بنا به مصلحت نظام. منتها من خودم شخصا این ها را مصلحت نظام نمی دانم، مصلحت نظام نیست که ظلم رواج پیدا کند. پایه های نظام سست می شود. چون مملکت با کفر دوام می آورد ولی با ظلم نه.»

این گفت و گو در سال ۱۳۸۹ و در سایت نوسازی، از سایت های حامی محمود احمدی نژاد منتشر شد. عنوان آن «فدائی ولایت شهید سعید امامی» بود که در یک ویژه نامه با عنوان کلی «بازخوانی یک حق پایمال شده» منتشر شده بود.

اکنون در رابطه با پرونده سعید مرتضوی حکومت اسلامی ایران و در رأس همه خامنه ای، باید نشان دهد که فدای یک «سرباز جان بر کف» برای «نظام» در دسر ندارد و یا به «دفاع» از آن می ارزد! کارگران بازنشسته در جلسه ای در ۱۸ آذر ماه ۱۳۹۲ خود، با توجه به گزارش تحقیق و تفحص مجلس پیرامون سازمان تأمین اجتماعی قطعنامه ای صادر کرده و به درستی سؤال کرده اند مجلس چگونه می تواند جلوی اختلاس های هزاران میلیارد تومانی از صندوق سازمان تأمین اجتماعی را بگیرد؟ بازنشستگان بارها در مقابل مجلس غارتگران، نظرات کرده و خواهان حقوق خود شده اند.

در گزارش تحقیق و تفحص از دوران ریاست سعید مرتضوی بر سازمان تأمین اجتماعی تنها گوشه کوچکی از حقایق را روشن کرده است. در این گزارش، طبق این گزارش، میلیاردها تومان دارایی ها و اموال کارگران و بازنشستگان صرف مقاصد شخصی و جناحی و غیره شده است. طبق همین گزارش، ۹۷ میلیون تومان تنها به «علی اکبر خبازها» برای توزیع بین مدیران کانون پرداخت شده است. این در حالی است که حقوق کارگران و بازنشستگان و مستمری بگیران، بسیار پائین است و با تفاوت تورم واقعی، فاصله بسیار زیادی دارد. هم اکنون حدود ۷۵ درصد هزینه های درمان بدوش بیمه شده گان قرار داده شده است.

به این ترتیب، این گونه اظهارنظرها و اقرارها و موضع گیری ها و رقابت های جناحی و غیره، همگی نشان می دهند که غارتگری و رشوه دهی و رشوه گیری و خریدن رأی و پست و مقام و غیره در حکومت «مقدس الهی و اسلامی»، عمومیت دارد و برای این همه فسادشان نیز «کلاه شرعی» بافته اند!

تنها مشارکت مؤثر کارگران و بازنشستگان در بالاترین سطوح تصمیم گیری و سیاست گذاری سازمان تأمین اجتماعی؛ و مشارکت کارگران در همه کانون ها و تشکل های مستقل خود، مطمئن ترین راهکار برای جلوگیری از دزدی ها و سوء استفاده های هزاران میلیارد تومانی از صندوق سازمان تأمین اجتماعی و غیره است. اما جالب توجه است که هر دو طرف غارتگران سرمایه های سازمان تأمین اجتماعی، روشن نمی کنند که مدیریت سازمان تأمین اجتماعی، به چه دلیل به تعداد زیادی از نمایندگان مجلس، سال ها «هدیه؟» داده است؟ هم چنین هر دو طرف کشمکش، توضیح نمی دهند که آیا «هدیه» این سازمان به ۳۷ یا ۲۸۵ نماینده مجلس، برای خریدن آن ها بود و یا برای ساکت کردن آن ها؟!!

در این میان «باهر» نایب رئیس مجلس و یکی از سردسته های آدم کشان و غارتگران حکومت اسلامی، چنین اقرار می کند: «در سال ۹۲ به طور متوسط مجلس ماهی سیصد هزار تومان در اختیار نمایندگان قرار داده شده تا آن ها به مردم بدهند.» بنابراین، درون مجلس نیز بخور و بخور با حرص و ولع و اشتهای بی پایانی در جریان است! یا حجت الاسلام رسانی، اقرار می کند: «رئیس جمهور، قوه قضائیه و حتی رئیس مجلس شورای اسلامی بودجه ای خارج از شمول در اختیار دارند... در حال حاضر وزارت ارشاد نیز به نمایندگان کمک می کند.» با وجود این همه سر و صدا گفته می شود ۲۰ هزار صفحه از پرونده تحقیق و تفحص از سازمان تأمین اجتماعی در زمان ریاست سعید مرتضوی «گم شده است.»؟!!

سازمان تأمین اجتماعی، بزرگ ترین و گسترده ترین نهاد در نظام تأمین اجتماعی کشور هم از نظر ابعاد گسترده فعالیت ها و هم جمعیت تحت پوشش است. سازمان تأمین اجتماعی در ایران، جمعیتی بالغ بر ۷/۵ میلیون نفر بیمه شده اصلی و ۲۸ میلیون نفر بیمه شده اصلی و تبعی و یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر مستمری بگیر بازنشسته که معادل ۴۳ درصد جمعیت کل کشور و ۶۶ درصد جمعیت شهری می باشد را تحت پوشش خود قرار داده است. در چنین شرایطی، به گزارش «ایلنا»، ۶۰۰ بازنشسته تأمین اجتماعی با ارسال نامه ای به «حسن روحانی»، با بیان اینکه در شرایط کنونی خط فقر بالغ بر ۲۲ میلیون ریال است عنوان کردند که دریافتی بیش از ۸۰ درصد بیمه شدگان بازنشسته و مستمری بگیر این سازمان معادل یک سوم خط فقر است.

به گزارش ایلنا، نویسندگان نامه به رئیس جمهور، آورده اند: اگر از منابع و سرمایه هائی که کارگران بیمه شده در هنگام کار اندوخته اند به درستی نگهداری و محافظت می شد هیچ بازنشسته ای در خط فقر قرار نمی گرفت. در ادامه این نامه، از تعویض شش مدیرعامل در شش سال گذشته، تعطیلی موسسات پژوهشی و آموزشی و نشریات تخصصی از جمله «مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی» و «فصلنامه تأمین اجتماعی»، منحل شدن گروه های تخصصی و حرفه ای و جایگزینی چرتکه بازاری به جای رویکرد تخصصی که سازمان تأمین اجتماعی را به مرز ورشکستگی رسانده است، انتقاد شده است.

هم چنین نویسندگان این نامه، از این که دولت سال ها است با فراموش کردن وظیفه اصلی خود مبنی بر امانتدار بودن، سازمان تأمین اجتماعی را به مثابه صندوق اختصاصی اش در نظر گرفته انتقاد شدیدی کرده اند. گفتنی است نویسندگان این نامه، سخنان شان را «مصائب یک جامعه ۳۶ میلیونی تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی» خوانده اند و تأکید کرده اند که با جمعیتی در حدود «۲ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر آن بازنشسته و مستمری بگیر حدود ۱۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را تشکیل می دهند.»

ایران، فاقد تشکل های صنفی واقعی و مستقل است. جدا از تفاوت ها و ارتباط سازمان تأمین اجتماعی با تشکل های کارگری، کارفرمایی و مستمری بگیران، تشکل های موجود شرکای اجتماعی سازمان بوده و اضلاع مثلث سه جانبه گرائی به حساب می آیند.

بر اساس اعلام شبکه های اجتماعی، بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی ده ها هزار میلیارد تومان است و می بایست این بدهی توسط دولت به سازمان پرداخت شود و از دریافت بدهی جدید جلوگیری به عمل آید.

بنابراین، مشخص است که تاکنون چرا نمایندگان مجلس، در خصوص عدم ایفای وظایف دولت در مقابل بیمه شدگان و مستمری بگیران سازمان تأمین اجتماعی مورد سؤال قرار نگرفته است؟! در واقع، به صراحت می توان گفت نمایندگان مجلس حق سکوت خود را از مدیریت سازمان تأمین اجتماعی گرفته اند و دیگر کاری به وضعیت دلخراش و تکان دهنده کارگران و مستمری بگیران و وظایف سازمان تأمین اجتماعی در قبال آن ها ندارند. هم چنان که رؤسا و مدیران این سازمان و دولت سهم خود را برده اند.

هم چنین مشخص است که چرا نمایندگان در خصوص نهادها و دستگاه های نظامی، انتظامی، بنیادها مانند بنیادهای مستضعفان، ۱۵ خرداد، شهید و امور ایثارگران، کمیته امداد امام، آستان قدس رضوی، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان ارتباطات اسلامی، ستاد اجرایی فرمان امام و سازمان اموال تملیکی و ... بر کارکرد اقتصادی کشور سنگینی می کنند سیاست سکوت در پیش گرفته اند؟! چرا این ارگان ها و نهادها مالیات پرداخت نمی کنند در حالی که دولت هر ماه از حقوق ناچیز مزدبگیران مالیات کم می کند و باز هم نمایندگان مجلس، موضع گیری نمی کنند؟ چرا نمایندگان مجلس، پیگیر بدهی دولت به بانک مرکزی و سیستم بانکی، بدهی سنواتی و عظیم دولت به سازمان تأمین اجتماعی نمی شوند؟

وقتی بیش از ۱۸ صندوق بیمه تأمین اجتماعی خاص نظیر آینده ساز، نفت، صدا و سیما، بانک ها، بیمه ها، مس، فولاد، نیروهای مسلح، شهرداری ها و به ویژه صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر دارای بخش های اقتصادی بسیار وسیعی هستند، چرا نمایندگان مجلس به حساب و کتاب آن ها رسیدگی نمی کنند؟

سوء استفاده و سوء مدیریت و اختلاس و فساد و بذل و بخشش های در این سازمان به حساب بیمه شدگان، به سادگی ساختار مافیائی دولتی این سازمان همانند ارگان های دیگر حکومتی را به نمایش می گذارد.

مسلماً اختلاس، دزدی، رشوه خواری، رانت خواری، ریخت و پاش، سوء استفاده و سوء مدیریت در کلیت حکومت اسلامی ایران، به اندازه عمر این حکومت ریشه تاریخی دارد. این جنایات در جامعه ما، آن چنان ریشه دوانده است که هیچ کدام از سران و مقامات و مسئولین و ارگان ها و ادارت حکومت اسلامی، از فساد اقتصادی میرا نیستند.

یکشنبه بیست و چهارم آذر [قوس] ۱۳۹۲ - پانزدهم دسمبر ۲۰۱۳